

پارادایم های نوین در بازار کار جهانی



اجلاس تابستانی مجمع جهانی اقتصاد که در ژوئن ۲۰۲۶ در شهر دالیان چین برگزار شد، فراتر از یک نشست اقتصادی ساده بود؛ این رویداد، آوردگاهی برای ترسیم نقشه ی راه دهه ی آینده ی جهان بود. آنچه در ادامه می خوانید، روایتی تحلیلی از این اجلاس است که توسط دکتر محمود سریع القلم برای فهم دقیق تحولات مدیریتی و اشتغال استخراج و تدوین شده است. در جهانی که با شعار محوری «نوآوری در مقیاس» (اجرای ایده های نوآورانه در ابعاد وسیع) پیش می رود، تحلیل های ایشان نقشه راهی برای بازتعریف «قرارداد اجتماعی کار» در ایران است. آنچه از این اجلاس برای اکوسیستم اشتغال و مدیران منابع انسانی حیاتی است، نه صرفاً پیشرفت تکنولوژی، بلکه «تغییر بنیادین ماهیت مشاغل» و «فرسایش مدل های مدیریتی کلاسیک» است.

سونامی هوش مصنوعی؛ از جایگزینی مشاغل تا ظهور نقش های مکمل

تحلیل های ارائه شده در دالیان ۲۰۲۶ نشان می دهد که هوش مصنوعی در حال بازتنظیم نقشه بازار کار است. مشاغلی که بر پایه «تکرار و تحلیل داده های روتین» استوار بودند، مانند تحلیل گران میانی داده، حسابداران و کارشناسان رسانه های اجتماعی، بیشترین ریسک جایگزینی را تجربه می کنند. با این حال، پیام امیدبخش اجلاس این بود: هوش مصنوعی نه یک تهدید مطلق، بلکه یک «فیلتر مهارتی» است. مشاغلی که نیازمند «هوش عاطفی»، «استراتژی های پیچیده انسانی» و «مهارت های فیزیکی ظریف» هستند (مانند مربیان، تراپیست ها و تکنسین های پیشرفته)، به عنوان دژهای امن بازار کار باقی خواهند ماند. پیام برای نیروی کار: تمرکز باید از «انجام وظیفه» به سمت «تلفیق دانش و تفکر انتقادی» تغییر کند.

سقف شیشه ای و نردبان لـرزان؛ آسیب شناسی رشد زنان در ساختار مدیریتی

یکی از نکات تکان دهنده اجلاس، تحلیل ساختاری شکست زنان در رسیدن به مناصب C-Level بود. (منظور از C-Level، مدیران ارشد اجرایی یا سطح اول سازمان مثل مدیرعامل، مدیر مالی یا مدیر فنی است که تصمیمات کلان سازمان را می گیرند). گزارشگران داوس تأکید کردند که زنان با وجود توانمندی بالا، اغلب در «فونکسیون های ستادی» مانند منابع انسانی یا روابط عمومی حبس می شوند. این بخش ها، به جای اینکه در خط مقدم تولید سود و درآمدزایی باشند، بیشتر نقش پشتیبانی دارند؛ لذا زنان از تجربه «عمودی و عملیاتی» که برای مدیرعامل شدن ضروری است، محروم می مانند. این یک زنگ خطر برای سازمان های ایرانی است؛ فرایندهای انتصاب باید از «شبکه های رفاقتی و سنتی» به سمت «چرخش شغلی استراتژیک» حرکت کند تا استعداد های زن در جریان های اصلی درآمدزایی قرار بگیرند.

فرماندهی در عصر عدم قطعیت؛ ۶ مهارت بقا برای مدیران

مدیران در سال ۲۰۲۶ با محیطی روبه رو هستند که ثبات در آن یک استثناست. اجلاس دالیان فرمول بقای مدیریتی را در ۶ مهارت طلایی خلاصه کرد:

۱. **پرسش گری استراتژیک:** تغییر اولویت از پاسخ گویی به دستورات، به پرسیدن سوالات دقیق برای کشف فرصت ها.
۲. **سرعت شناختی (حلقه OODA):** استفاده از مدل OODA (مخفف مشاهده، جهت گیری، تصمیم و اقدام)؛ یک تکنیک نظامی برای اینکه مدیران بتوانند در شرایط بحرانی و پرشتاب، بسیار سریع تر از رقبا تصمیم بگیرند.
۳. **پذیرش شکست هوشمندانه:** استفاده از مدل «۷۰-۲۰-۱۰» (یعنی ۷۰٪ تلاش روی امور جاری، ۲۰٪ بهبود، و ۱۰٪ ریسک کامل روی ایده های نوآورانه که ممکن است شکست بخورند).
۴. **هوش مصنوعی به مثابه همکار:** نگاه به AI نه به عنوان ابزار، بلکه به عنوان «شریک تصمیم ساز».
۵. **فرهنگ هدیه دادن:** تولید ارزش اضافه برای تیم به جای منفعت طلبی شخصی.
۶. **اسکن دائمی مسیر:** نگاه بلندمدت به جای گزارش دهی صرف از عملکرد گذشته.

جمع بندی

پیام نهایی اجلاس دالیان ۲۰۲۶ روشن است: بازار کار آینده، نه به دنبال مدارک تحصیلی صرف، بلکه در پی «انعطاف پذیری شناختی» است. گذار از مدل های ایستا به حکمرانی هوشمند، نیازمند بازنگری در ساختارهای سنتی استخدام و البته، اصلاح ذهنیت مدیران نسبت به تغییر است. اکنون زمان آن است که از «انطباق منفعلانه» به سمت «خلق فعالانه» حرکت کنیم. ■



تجاری سازی فناوری

ادامه از صفحه ۹

بومی سازی تجهیزات ...

یکی دیگر از دستاوردهای مهم این پروژه، ایجاد هماهنگی میان نیازهای صنعت و فعالیت های فناورانه کشور است که سال ها یکی از حلقه های مفقوده توسعه فناوری بوده است. زمانی که نیازهای آینده صنعت به صورت دقیق مشخص شود، مسیر توسعه فناوری نیز روشن خواهد شد. در چنین شرایطی، دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و شرکت های دانش بنیان می توانند فعالیت های پژوهشی و فناورانه خود را بر اساس نیازهای واقعی صنعت تنظیم کنند. این رویکرد موجب می شود تحقیقات از حالت پراکنده و صرفاً دانشگاهی خارج شده و به سمت حل مسائل واقعی صنعت هدایت شوند؛ اتفاقی که هم اثربخشی سرمایه گذاری های پژوهشی را افزایش می دهد و هم فاصله میان تولید علم و تولید فناوری را کاهش می دهد.

اجرای موفق چنین طرح هایی نیازمند نهادی است که بتواند میان صنعت، فناوری، اقتصاد و سرمایه گذاری ارتباطی مؤثر برقرار کند و همین نگاه فرابخشی، دلیل واگذاری مسئولیت به ستفا بوده است. مأموریت اصلی ستفا، توسعه اقتصاد فناوری و تجاری سازی فناوری های داخلی است و این سازمان علاوه بر شناخت ظرفیت های فناورانه کشور، تجربه ایجاد ارتباط میان صنعت، دانشگاه، شرکت های دانش بنیان و سرمایه گذاران را نیز در اختیار دارد و می تواند نگاه اقتصادی و فناورانه را به صورت هم زمان وارد چنین پروژه هایی کند. مزیت ستفا، مدیریت یکپارچه زنجیره فناوری تا بازار است؛ این سازمان صرفاً از منظر صنعت یا صرفاً از منظر فناوری به موضوع نگاه نمی کند، بلکه زنجیره کامل شامل فناوری، اقتصاد، سرمایه گذاری، بازار، شرکت های دانش بنیان و سیاست گذاری را به صورت یکپارچه مدیریت می کند. این رویکرد موجب می شود تصمیمات تنها بر پایه ملاحظات فنی اتخاذ نشوند، بلکه آثار اقتصادی، ظرفیت بازار، امکان تجاری سازی، توان سرمایه گذاری و نیازهای واقعی صنعت نیز در فرآیند تصمیم سازی مورد توجه قرار گیرد. چارچوبی که در این پروژه طراحی می شود، محدود به صنعت پتروشیمی نخواهد بود و قابلیت استفاده در صنایع نفت، گاز، فولاد، معدن، نیروگاهی، حمل و نقل، صنایع دریایی و حتی صنایع دفاعی را دارد. اگر بتوانیم برای شناسایی نیازها، اولویت بندی فناوری ها، ارزیابی ظرفیت های داخلی و طراحی مسیر توسعه ساخت داخل، یک الگوی علمی و اجرایی ارائه کنیم، این مدل می تواند به الگویی ملی برای توسعه ساخت داخل مبتنی بر اقتصاد فناوری تبدیل شود؛ الگویی که در آن تصمیم گیری ها بر پایه داده، تحلیل اقتصادی و شناخت دقیق ظرفیت های داخلی انجام می شود.

مهم ترین معیار ارزیابی این پروژه، نتایج عملی آن است و نباید با تعداد گزارش ها یا اسناد تهیه شده سنجیده شود. اگر سه سال بعد شاهد افزایش سهم ساخت داخل تجهیزات راهبردی، کاهش وابستگی کشور به واردات تجهیزات حساس، حضور گسترده تر شرکت های دانش بنیان در زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی، افزایش سرمایه گذاری در فناوری های اولویت دار، تحقق صرفه جویی ارزی قابل توجه و ارتقای رقابت پذیری و تاب آوری صنعت پتروشیمی باشیم، آن زمان می توان با اطمینان گفت این پروژه به اهداف خود رسیده است. هدف نهایی، فقط تهیه یک نقشه راه نیست؛ بلکه تبدیل ظرفیت علمی و فناورانه کشور به قدرت صنعتی و خلق ارزش اقتصادی پایدار برای ایران است. ■